

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حزب کار ایران (توفان)

۰۹ نومبر ۲۰۱۶

جایزه صلح نوبل آخرین پرده کودتای دست راستی در کلمبیا

جایزه صلح نوبل ۲۰۱۶ به "خوان مانوئل سانتوس" (Juan Manuel Santos)، رئیس جمهور فعلی کلمبیا داده شد. کمیته نروژی جایزه صلح نوبل در اسلو در توضیح این تصمیمش ابراز داشت که وی: "برای تلاش مصممانه اش به خاطر پایان دادن به جنگ داخلی که بیش از نیم قرن طول کشیده است" این جایزه را دریافت می کند. دریافت این جایزه همراه با مخالفت "خلق" از طریق همه پرسی پیرامون توافقات دو جانبه با چریکهای "فارک" (FARC)، پیروزی بزرگی برای ارتجاع کلمبیا و شکستی سخت برای چریکهای فریب خورده فارک و پادرمیانی ساده لوحانه کوبا، ونزوئلا و چیلی محسوب می شود.

رئیس کمیته نوبل آقای "کچی کولمن فایو" (Kaci Kullmann Five) که جایزه صلح به آقای "سانتوس" را بعد از اعلام نتیجه منفی همه پرسی و رد توافقات دو جانبه با چریکها، از طرف "خلق" کلمبیا اعلام می کرد و این خود نشانه شکست تلاشهای صلح بود، برای دلداری چریکهای "فارک" و دست به سر کردن آنها اعلام داشت که این جایزه تشویقی برای نجات دادن روند صلح در کلمبیاست. به سخن دیگر هنوز صلحی صورت نگرفته است و مذاکره تا ابد ادامه دارد و منتظر باشید تا در زیر پایتان علف سبز شود و مبادا به عملیات شتابزده و بدون تعقل دست بزنید تا روند صلح به خطر افتد!!؟؟

به این ترتیب پرده آخر نمایشنامه جنگ داخلی افتاد و نیروهای چریکی از همه جا مانده و رانده، نه راه پس دارند و نه راه پیش.

درگیریهای نظامی "فارک" و نیروهای دولتی کلمبیا از جمله جوخه های مرگ از سال ۱۹۶۴ تاکنون بیش از ۲۲۰ هزار کشته در بر داشته است. همچنین در این مدت بیش از پنج میلیون نفر آواره شده، ۲۵ هزار نفر ناپدید و ۳۰ هزار نفر ربوده شده اند. روزنامه شرق در مورد مضمون این توافقنامه می نویسد: "توافق صلح همچنین شامل بندهایی است که با هدف رفع و رجوع معضلات ریشه‌ی و تاریخی مسبب جنگ تنظیم شده‌اند. بنابر توافق حاصله، با قانونی شدن مشارکت سیاسی شورشیان فارک، این مجراهای دموکراتیک خواهند بود که از این پس به جای مقاومت مسلحانه، عرصه اظهار وجود سیاسی این گروه خواهند شد. فارک نه تنها در دو دوره آتی انتخاباتی در هر دو مجلس سنا و نمایندگان دارای پنج کرسی خواهد بود، بلکه پس از آن نیز می‌تواند به‌طور عادی وارد عرصه رقابت‌های انتخاباتی شود. این توافقنامه همچنین دولت کلمبیا را موظف می‌کند تا با سرمایه‌گذاری گسترده در بخش توسعه اقتصادی

روستائی، به کاهش شکاف موجود بین نرخ رشد اقتصادی متمرکز در شهرها و نرخ فقری که دهه‌هاست به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های کلیدی ایدئولوژی مارکسیستی شورشیان، دامن‌گیر روستانشینان و دهقانان کلمبیائی شده، یاری رساند. از طرف دیگر، بند چهارم توافق‌نامه نیز روند دامن‌زدن به خشونت‌ها، فساد و بی‌ثباتی که نتیجه مبارزه قهرآمیز دولت با مواد مخدر بوده را تغییر خواهد داد. دولت به‌جای مجازات کشتکاران کوکائین، درصدد خواهد بود تا با سرمایه‌گذاری در دانه‌های جایگزین، همچون کاکائو و قهوه، انگیزه‌های اقتصادی کشاورزان روستائی را تغییر دهد. از محورهای دیگر این توافق‌نامه، رسیدگی به درد و رنج قربانیان منازعات بر مبنای چارچوب عدالت ترمیمی است؛ چارچوبی که شدت مجازات آن دست اعضای فارک را که مرتکب جنایاتی فجیع شده‌اند، بر مبنای راست‌گویی آنان می‌سنجد؛ آنانی که به‌سرعت پا پیش گذاشته و با صداقت درباره اقداماتشان سخن بگویند، صرفاً رفت‌وآمدهایشان با محدودیت‌هایی روبه‌رو خواهد شد؛ در غیر این صورت، باید برای مدت زمانی طولانی راهی زندان شوند. " در واقع مانند این است که چریکها باید در همه موارد پاسخگو باشند و در این توافق‌نامه بر صندلی اتهام نشسته اند و باید طلب مغفرت نمایند.

این چریکها در مذاکرات دو جانبه با آقای "سانتوس" در توافق‌نامه خویش حتی تا به جایی پیش رفتند که ملتسمانه از رژیم حاکم تقاضای عفو، دادن شغل به آنها، قرار منع صدور تعقیب طلبیدند و اعتراف کردند که باید **دادگاههای ویژه** تشکیل شود که به **"جنایات جنگی همه طرفها رسیدگی کند"**. به این ترتیب چریکها پذیرفتند که در عرض این ۵۰ سال به جنایات جنگی دست زده اند که باید در مقابل دادگاه پاسخگوی آن باشند. این اعترافات همان تبلیغات شوم ارتجاع حاکم است که با کشتار مردم عادی توسط جوخه های مرگ، این عملیات را به پای چریکها می نوشت. این توافق در واقع تیرئه جنایات هیأت حاکمه کلمبیاست. این سیاست "همه گناهکاریم" ماهیت مبارزه انقلابی چریکها را نیز به زیر پرسش می برد که برای منافع خلق مبارزه می کردند. آنچه را که رژیم حاکم جنایت محسوب می کند، نمی تواند از منظر طبقاتی و منافع خلق جنایت باشد. مرتکبان جنایت کسانی هستند که قدرت سیاسی را به دست دارند و از نیروی عظیم نظامی، دستگاه انتظامات و دادگاه ها برخوردارند و آن را علیه مردم تا کنون به‌کار برده‌اند.

در این مانور اخیر، "خلق" کلمبیا در یک همه پرسی "دموکراتیک" حرف آخر را زده است و چریکها را به عنوان گناهکار و جنایتکار ارزیابی نموده است. در این مانور و نمایشنامه حساب شده، مسئولان همه این جنایات را در گذشته به‌گردن سازمانهای چریکی انداخته اند.

پرده اول نمایشنامه مذاکرات طولانی میان رئیس دولت کلمبیا با رهبران سازمان چریکی "فارک" بود که در کوبا با پا در میانی رائل کاسترو و سرمایه گذاری از اعتبار انقلاب کوبا به انجام می رسید.

همین گام نخست که چریکها از موضع ضعف و ناچاری به این مذاکرات تن در دادند اساس شکست آنها را در برداشت. یک جریان سیاسی جدی و عاقل می داند که نتیجه مذاکراتی که میان طرفین درگیر بر روی کاغذ می آید و مورد توافق طرفین است باید در همانجا و در همان وقت به عنوان تصمیم قطعی از جانب طرفین مورد تأیید و تصویب قرار گرفته و دارای اعتبار و سندیت بوده و بر اساس آن عمل شود. ولی چریکهای "فارک" فرجام کار را نه به اراده خود و طرف مقابل، بلکه به اراده "خلق" محول کردند که در زیر فشار استبداد و ترور حاکم و تبلیغات ضد کمونیستی هیستریک و یکطرفه، قادر نبوده است تا کنون اراده خویش را به کرسی بنشانند. رأی دادن به همه پرسی و گره زدن سرنوشت خود به یک همه پرسی در شرایط نابرابر و غیر دموکراتیک نشانه یأس، تسلیم و استیصال این سازمانهاست. از این به بعد این چریکها با "خلق" طرف هستند و نه با حاکمیت تروریست کلمبیا. "سانتوس" در تفسیر رأی همه پرسی با مسرت در حالی که جایزه صلح را در دست داشت اعلام کرد تفسیر من این است که: "ما باید استقامت کنیم تا این جنگ به پایان برسد... وی این جایزه را از جانب همه مردم کلمبیا می پذیرد". وی می دانست که ارتجاع کلمبیا برنده جنگ است.

رهبان چریکهای "فارک" سرفرمانده "تیمولئو خیمنس" (Timoleón Jiménez) به "سانتوس" تبریک گفت و نماینده "فارک" در هیأت نمایندگی مذاکرات در کوبا اظهار داشت: "ما امیدواریم که جایزه صلح نوبل به رئیس جمهور "سانتوس" نیرو بدهد تا به قرارداد روح دمیده و به همه مردم کلمبیا کرامتشان را بازگرداند."

همین اعطای جایزه نوبل به یک طرف قرارداد صلح و نه به هر دو طرف، خود حاکی از ماهیت دسیسه گرانه این نمایش است. ارتجاع جهانی، رئیس جمهور کلمبیا را بانی صلح می داند و رئیس چریکهارا مسؤول جنگ و "تبهکاری" و متأسفانه چریکها هم به این دروغ صحنه می گذارند.

"طبیعی است" رئیس جمهور کلمبیا که "منتخب" مردم است باید به رأی مردم کلمبیا احترام بگذارد و لذا نمی تواند نسبت به قراردادی که در یک همه پرسی رد شده است، وفادار بماند و لذا در تاریخ ۳۱ ماه اکتوبر این قرار داد دو جانبه و آتش بس از نظر رئیس جمهور کلمبیا به پایان می رسد و وی تلاش می کند با چریکها به "مقررات و توافقات" جدیدی برسد!!؟؟. آقای سرفرمانده "تیمولئو خیمنس" این پرسش را مطرح کرده است که آیا جنگ ادامه پیدا می کند؟ و "میلنا ریس" (Milena Reyes)، یکی از اعضای هیأت نمایندگی "فارک" در مذاکرات صلح در هاوانا، می پرسد: "آیا لبخند ما دوباره از چهره ما برطرف می شود؟ بعد چه می شود؟". و واقعاً چنین پرسشی چقدر کودکانه و نشانه استیصال است. سرفرمانده منتظر تصمیمات رئیس جمهور نشسته است و خودش اساساً سیاست و تصور و دورنمایی در این مبارزه ندارد و به همین جهت نیز ابتکار عمل را به دست دشمن داده و منتظر وعده های سرخرمن است. حال کشتار چریکها اعتبار "خلق" و "قانونی" نیز به دست آورده است.

رئیس جمهور که ابتکار عمل را در دست دارد و وکالت "خلق" را بر پیشانی نوشته است، اعلام کرد که باید با برندگان همه پرسی که نیروهای افراطی دست راستی و همدستان قدیمی و فعلی خود وی هستند به مذاکره بنشینند و نظریات "اکثریت" را جویا شود و آنوقت نظریات آنها را در نظر بگیرد و وارد قرارداد جدید شود و دوباره قرارداد را به رأی همه گانی بگذارد. این بازی تا آخر ادامه دارد. این نیروهای دست راستی افراطی کسان دیگری نیستند به جز رئیس جمهور قبلی که رئیس جمهور کنونی وزیر جنگ وی بوده است. رئیس جمهور قبلی آقای "آلوارو اوربیه" (Álvaro Uribe) بود که از سال ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۷ به عنوان فرماندار در "آنتیوکیا" (Antioquia) حکومت می کرد و در ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۰ رئیس جمهور کلمبیا بود. وی مبتکر ایجاد جوخه های مرگ در کلمبیا است که بدون هیچ زمینه حقوقی و قانونی ایجاد شده بود و وظیفه داشت همه مخالفان و افراد مظنون را همراه با خانواده های آنها قتل عام کند. این ارتش مافیائی دهها هزار از مردم غیر نظامی را به قتل رسانید. هنوز که هنوز است در منطقه "آنتیوکیا" گورهای دسته جمعی از مردم عادی غیر نظامی پیدا می شوند که به دست سربازان و جوخه های مرگ به قتل رسیده و با دست قاتلان دولتی، به لباس ارتش چریکها ملبس شده و به گورهای دسته جمعی پرتاب شده اند. مسبب و مشوق این جنایات آقای "آلوارو اوربیه" بود به این طریق که برای هر کشته چریک پاداش نقدی پرداخت کرده و قاتلان آنها را ارتقاء درجه می داد. این امر دست جوخه های مرگ را در بالا بردن آمار کشته ها از طریق نابودی مردم عادی به نام چریک و اخاذی بیشتر باز می گذاشت. وی فوراً بعد از انتخابش به ریاست جمهوری مناطق جنگی ویژه به وجود آورد که رسماً آنها را "مناطق توانبخشی و ثبات" می نامید. در اثر این سیاست مناطق بزرگی به زیر سلطه نظامیان در آمدند. کار به جایی رسید که حتی سازمان عفو بین الملل نیز به صدا در آمده و از این مناطق به عنوان "آزمایشگاههای جنگی" نام برد که در آن مردم غیر نظامی را دشمن خود می شمردند و فعالان اجتماعی، مدنی و سندیکائی را نابود می کردند. وزیر دفاع (بخوانید جنگ) آقای "آلوارو اوربیه" در سالهای ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۹ همین برنده اخیر جایزه صلح نوبل، آقای "خوان ساموئل سانتوس" بود که همه این عملیات را با دست خودش انجام می داد. وی مدتها بعد از "پیروزی" در این جنایات

با سری افکنده و قیافه ای محزون در مقابل فشار افکار عمومی، اعلام کرد که این موارد رویداده، بسیار نادر بوده است. ناگفته نماند که تعداد این موارد نادر ۳۰۰۰ عدد است. هوگو چاوز رئیس جمهور ونزویلا به وی لقب جنایتکار جنگی داد و وی در کشور اکوادور به علت چندین اقدام جنایتکارانه مورد تعقیب قضائی است. وی حتی به عنوان وزیر جنگ برای نابودی چریکهای فارک به کشور مجاورش خلاف منشور ملل متحد، با هواپیما حمله کرد و اردوگاههای چریکها را بمباران نمود و در این میان بسیاری از همکارانش در دولت قبل، به عنوان فاسد و رشوه خوار، غاصبان زمین، همدستی با جوخه های مرگ بر صندلی اتهام نشسته اند. این که "اوربیه" و "سانتوس" هنوز راست راست راه می روند، مدیون حق مصونیت خویش می باشند.

تجربه سیاسی کنونی نشان می دهد که مذاکره با دشمن تنها با حفظ اسلحه و ادامه مبارزه ممکن است. نیروهای انقلابی هرگز نباید در میان هوادارانشان به توهم و سازش طبقاتی دامن زنند که در اثر مانورهای ارتجاع بی روحیه می شوند و با شکست مذاکرات به یأس و بدبینی دچار شده و به انزوا می رسند. دولت کوبا نیز اعتبار جهانی خود را در این عرصه، برای نزدیکی به امریکا به بازی گرفت که این خود از نتایج سحر است.

پر گرفته از توفان شماره ۲۰۰ آبان ماه [عقرب] ۱۳۹۵ - نومبر سال ۲۰۱۶

ارگان مرکزی حزب کار ایران (توفان)